

رؤسای ۱۴ اتحادیه گوشت گوسفندی، سوپرمارکت و مواد پروتئینی خواربار فروشان و فروشندگان میوه و سبزی تهران در گفت‌وگو با «وطن امروز» از کاهش خرید این اقلام توسط مردم خبر دادند

سفردها کوچک شد

روحانی در حالی بار دیگر بحران مرغ را به تحریم‌ها نسبت داد که آمارها و مدیران بانک مرکزی خلاف آن را می‌گویند

تحریم، کلید فرار از مسؤولیت



صفحات ۵ و ۶

تیتراهای امروز

در پی خشونت نظامیان صهیونیست علیه فلسطینیان، گروه‌های مقاومت حملات راکتی را به شهرک‌های صهیونیستی آغاز کردند

این شروع ماجراست

مقاومت فلسطین: مسجدالاقصی خط قرمز ماست



صفحه ۷

سختگوی کاخ سفید از هماهنگی آمریکا با رژیم صهیونیستی در زمینه مذاکرات وین خبر داد

اسرائیل در جریان است

صفحه ۲

تعداد کل قربانیان ۶۹۱۲۰ نفر

۳۷۴

طی ۲۴ ساعت ۳۷۴ نفر از هموطنان بر اثر ابتلا به کرونا جان خود را از دست دادند

تحفه مرگبار هندی!

اگر ویروس کرونا هندی وارد کشور شود شیوع این بیماری انفجاری خواهد شد

روحانی ۷ فروردین:

بیک کرونا با همه جهش‌های مختلف تمام شده است

روحانی ۴ اردیبهشت:

آمار مرگ و مبتلایان نگران‌کننده شده است

صفحه ۴

دیدگاه

پیشروی انصارالله یمن در مأرب

دکتر سیدمحمد مرنندی

نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی یمن در روزهای اخیر دستاوردهای بی نظیری داشته‌اند. انصارالله یمن در مأرب پیشروی قابل توجهی داشته و روند تحولات به گونه‌ای است که هر لحظه فتح استان مأرب که قلب یمن خوانده می‌شود، نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود.

استان مأرب از جهات مختلف بسیار مهم و حساس است. مأرب از اصلی‌ترین پایگاه‌های ائتلاف غربی - عربی در مرکز یمن بوده و برای رژیم سعودی اهمیت راهبردی فراوانی دارد. رژیم سعودی برای تثبیت مواضع خود در این استان سرمایه‌گذاری زیادی انجام داده و در عین حال نیروهای تحت فرمان خود (دولت مستعفی و فراری منصور هادی) را به انواع تجهیزات مدرن نظامی مجهز کرد و تمام توان و امکاناتش را طی سال‌های گذشته در این استان به میدان آورد، چرا که رؤیای اشغال شهر صنعاً را در سر می‌پروراند و بخوبی می‌داندست برای رسیدن به پایتخت، باید مواضع را در استان مأرب تقویت و تحکیم کند.

به واسطه پیروزی‌های خیره‌کننده، امنیت شمل یمن و پایتخت کشور به طور کامل تضمین می‌شود و همچنین اثبات می‌شود بمباران‌های بی‌امان سعودی که با کمک مشاوران نظامی بریتانیا انجام شد، تأثیرگذار نبوده و با این شکست، عربستان سعودی با مشکلات بزرگی مواجه می‌شود؛ حتی این شکست از جهاتی سرنوشته‌سازترین شکست سعودی در این جنگ خواهد بود.

اگر چه آزادسازی مأرب ضربه‌ای دو جانبه است؛ یکی، به دولت مستعفی و فراری منصور هادی که دیگر تسلطی بر مناطق یمن نخواهد داشت و ضربه دیگر به سعودی که آخرین مراکز تحت اشغالش در شمال یمن را از دست خواهد داد، اما باید به این نکته هم توجه داشت که نمی‌توان گفت جنگ در یمن که بیش از ۶ سال از آغاز آن می‌گذرد، به پایان است، چرا که محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی از عقلائیت چندانی برخوردار نیست. در گذشته شاهد بودیم بن‌سلمان در موقعیت‌های مختلف، تصمیماتی غیرعقلانی گرفت و بر این رویکردها اصرار ورزید. به عنوان مثال در محاصره و جنایات یمن، در محاصره قطر، آدم‌ربایی نخست‌وزیر اسبق لبنان، قتل خبرنگار سعودی جمال خاشقچی در کنسولگری عربستان در ترکیه و همچنین درگیری‌های دائم با جمهوری اسلامی ایران، عربستان با شکست مواجه شد اما ولیعهد جوان و خام آن همچنان دست از ماجراجویی و حماقت‌های سیاسی و نظامی خود برنمی‌دارد، بنابراین نمی‌توان گفت جنگ یمن رو به پایان است.

نکته

مرغی شعیب: یکی از شگردهای مرسوم در عملیات روانی، به اشتباه انداختن دشمن یا رقیب است. تحلیل‌ها، آمارها و اخباری منتشر می‌شود که برآیند آنها به اشتباه انداختن طرف مقابل و ایجاد یک برآورد اشتباه در جبهه مقابل است.

البته این موضوع مانع آن نمی‌شود که رصد تحولات و رفتار طرف‌ها فاقد اعتدال باشد. در واقع رصد رفتار و گفتار اردوگاه مقابل در سازوکار و معادله اصلی و معقول مورد ارزیابی و اعتبارسنجی قرار می‌گیرد اما قطعاً روایت آنها ملاک و معیار نخواهد بود. طی روزها و هفته‌های اخیر، جریان اصلاحات و

نژادپرستی سیستماتیک

دکتر معین شامی: هیأت منصفه دادگاه مینیسوپولیس در آمریکا، «درک شلویین» افسر مسؤول قتل «جورج فلوید» را تحت فشارهای افکار عمومی جهانی مجرم شناخت. اما این پایانی بر ماجرای نژادپرستی در آمریکا نیست به گونه‌ای که به فاصله کمتر از یک سال در ۱۶ کیلومتری محل قتل فلیج فلوید، «لوانت رایت» یک جوان بی‌گناه آفریقایی‌تبار دیگر توسط پلیس مینیسوپولیس از پای درآمد. در حالی که سپاهیان تنها ۱۳ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند، ۲۸/۴ درصد افراد بازداشت‌شده توسط پلیس، سپاهیان هستند. مطابق گزارش مؤسسه آمار وزارت دادگستری ایالات متحده، ۲۱ درصد از سپاهیان در زندان‌های آمریکا به سر می‌برند و این در حالی است که این آمار درباره سفیدپوستان تنها نیم‌درصد است.

آمریکا با یک معضل جدی به نام «نژادپرستی سیستماتیک» مواجه است. ساختار آمریکا بر این مبنا شکل گرفته و ۲ حزب جمهوری خواه و دموکرات بر آتش «ناسیونالیسم افراطی» و «نژادپرستی افراطی» می‌دمند تا جایی که بایند نیز به این مساله اعتراف کرده و می‌گویند: «نژادپرستی ساختاری همان طور که «کاملاً هریس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا به آن اشاره کرد، روح آمریکا را آلوده کرده است».

«نژادپرستی سیستماتیک» واقعیتی غیرقابل کتمان است. نمونه‌هایی همچون برده‌داری، جداسازی نژادی، مدارس جداگانه برای سرخ‌پوستان و اقلیت‌های نژادی و اردوگاه‌های بزرگ برای لاتین‌تبارها در تاریخ این کشور بسیار زیاد است. مسأله‌ای که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق این کشور با استیو بنن، مشاور ارشد سابق ترامپ آسکارا، آن را بیان می‌کردند و ترسی از اپراز تمایلات پشند نژادپرستانه هم نداشتند. به قدرت رسیدن ترامپ موجهی از اقدامات نژادپرستانه علیه اقلیت‌ها را در سراسر آمریکا، به همراه داشت. حملات هواداران ترامپ با تکیه‌های نژادپرستی و تنفر در بیشتر موارد مسلمانان،

معیاری برای شناخت روایت رقیب

کما اینکه طی روزهای اخیر موارد متعددی از مواضع متناقض غربگرایان اعم از اصلاح‌طلبان، دولتی‌ها و برخی اصولگرایان مایل به دولت، در ارزیابی کاندیداهای مطرح در جبهه انقلاب منتشر شده است. بنابراین ملاک قرار دادن روایت جریان مقابل از جبهه خودی، باعث سردرگمی و به خطا رفتن در تشخیص مصالح و همچنین تشخیص گزینه درست خواهد شد ولی همان‌گونه که گفته شد، رصد این روایت‌ها باید در دستور کار باشد و به صورت مستمر انجام شود. اما فرمول فهم درست روایت‌ها و عملیات روانی جریان غربگرا از آرایش انتخاباتی جبهه انقلاب چیست؟ «وطن امروز» قبلاً درباره برخی تجارب انتخاباتی در

سیاست‌های لیبرال - سرمایه‌داری در برابر الگوی «می‌توانیم»

دکتر ابراهیم رزاقی: «می‌توانیم» الگویی است که به دنبال آن هستیم و با توجه به حضور ناسیونالیست‌های تبارگرایان همچون ترامپ در کاخ سفید، سیاست‌ها به سمت تشدید محرومیت سپاهیان حرکت کرد. ژست‌های بایبند و کاملاً هریس هم نمی‌تواند اوج نژادپرستی سیستماتیک و آپارتاید غیراعلامی آمریکا را پنهان کند به گونه‌ای که می‌توان محرومیت‌های سپاهیان در دوران شیوع ویروس کرونا را مثال زد که شامل محرومیت‌های گسترده از بیمه‌های خدمات درمانی، کمبود تجهیزات بهداشتی و پزشکی می‌شود و در حالی که سپاهیان تنها ۱۳ درصد جمعیت آمریکا را شامل می‌شوند اما ۲۶ درصد فوتی‌های کرونا را به خود اختصاص داده‌اند.

آمریکا بر خلاف ادعایش، نماد توزیع نابرابر قدرت، منابع و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی است. شکاف ثروت میان سفیدپوستان و سپاهیان در آمریکا بسیار گسترده است. در حالی که از هر ۳ سفیدپوست در آمریکا یکی از آنها صاحب خانه است، این رقم برای سپاهیان، یک نفر از ۱۰ نفر است. تبعیض نژادی در دانشگاه‌ها، مراکز خدماتی و درمانی، بیمارستان‌ها، مدارس، فروشگاه‌ها، دادگاه‌ها و نظام قضایی آمریکا هم دیده می‌شود. نژادپرستی در آمریکا مقوله‌ای نهادینه‌شده و ساختاری است و حتی اگر یک رنگین‌پوست همچون اوباما هم در این کشور رئیس‌جمهور شود، این مقوله پابان نمی‌یابد و دوقطبی حاکم در آمریکا روزبه‌روز پررنگ‌تر می‌شود و حاکمان آمریکا از هر حزبی نیز در عمل آن را تشدید می‌کنند. تبعیض نژادی و روابط نژادی در آمریکا آتش زیر خاکستر است که هر لحظه امکان دارد فوران کرده و همه چیز را در مسیر خود ببلعد. افزایش نابرابری‌ها می‌تواند به شکل‌گیری جنبش‌های رادیکالیستی سپاهیان و حتی استقلال و جدایی برخی ایالت‌ها و شکل‌گیری ناامنی‌های غیرقابل مهار منجر شود.

در شناخت روایت‌های جریان رقیب درباره جبهه انقلاب هم صادق است. به عبارت خیلی ساده‌تر، آن دست از روایت‌های اصلاح‌طلبان و نزدیکان دولت که می‌خواهد جبهه انقلاب را به سمت و سوی گزینده‌ای بکشد که با حاشیه‌سازی حول آن گزینه می‌تواند فضای انتخابات را از کار، کارآمدی، مدیریت، معیشت و اقتصاد خارج و به سمت مسائل سیاسی و فرهنگی پیرامون او منحرف کند، قطعاً عملیات روانی برای گمراه کردن جبهه انقلاب است.

این نکته کوتاه را می‌توان به عنوان یک فرمول معیار برای شناخت روایت‌های جریان غربگرا از آرایش انتخاباتی جبهه انقلاب در نظر گرفت.

دوره انتخابات گذشته ریاست‌جمهوری مطالبی را به صورت مفصل منتشر و با توجه به این تجارب، ضرورت هوشیاری جبهه انقلاب برای جلوگیری از به انحراف رفتن فضای انتخابات از مطالبات اصلی مردم به سمت مطالبات انحرافی و دوقطبی‌های کاذب را گوشزد کرده است. به عبارتی، یکی از مهم‌ترین نکاتی که جبهه انقلاب در ترسیم آرایش انتخاباتی خود باید به آن اهتمام داشته باشد، حراست از مطالبات اصلی مردم یعنی معیشت و اقتصاد است و بر همین اساس یکی از لوازم هوشیاری جریان انقلاب شناسایی تاکتیک‌ها و گزینه‌هایی است که احتمال به حاشیه رفتن مطالبات اصلی و مطرح شدن مسائل انحرافی را بیشتر می‌کند. این اصل مهم، دخالت نکنند، توسعه ممکن نیست و ورشکستگی حاصل می‌شود. سیاست‌های لیبرال - سرمایه‌داری علاوه بر اقتصاد، فرهنگ اقتصادی ما را نیز تحت تأثیر قرار داد و تبدیل شد به «همه برای یکی»، در صورتی که طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی ایران بر مبنای فرهنگ تعاونی است. اصل ۲ قانون اساسی نیز بر نفی هر گونه ستمگری، ستمکشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، برقراری قسط و عدل و استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همبستگی ملی تأکید دارد؛ طبق این اصول دولت موظف است برای همه مردم مسکن، خوراک و پوشاک تهیه کند و کمک‌حال همه مستضعفان باشد. این اصول قانون اساسی با ذهنیت سرمایه‌داری پیش گرفته شد و منجر به این شد تا هر شخصی برای انجام هر اقدامی به میزان سوددهی آن توجه بیشتری کند تا اینکه به دنبال رونق تولید داخلی و پیشرفت کشور باشد، دولت نیز بر این امور نظارت نکرد تا بتواند از سرمایه‌داران مالیات بیشتری جمع‌آوری کند، بنابراین اندیشه حاکم سودهی در ثروت حاکم شد و تاکنون هم ادامه دارد و معتمدی در اقتصاد را در پیش گرفتند، عدم دخالت دولت در اقتصاد را در پیش گرفتند، در حالی که بسیاری از نظریه‌پردازان مطرح دنیا هم بیان می‌کنند چنانچه دولت‌ها در اقتصاد